

کشمیر، میهن فانی کشمیری

ملک سلیم جاوید*

ظهیرالدین محمد بابر (۹۳۷-۹۳۲ هـ/۱۵۳۰-۱۵۲۶ م) سلطنت مغول در هند را در سال ۹۳۳ هـ/۱۵۲۶ م تأسیس نمود و همایون (۹۶۳-۹۳۷ هـ/۱۵۵۶-۱۵۳۰ م) آن را وسیع‌تر کرد. در سال ۹۶۳ هجری دوره سلطنت محمد اکبر (۱۰۱۴-۹۶۳ هـ/۱۶۰۵-۱۵۵۶ م) حکومت مغول به اوج خود رسید و شاهجهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷ هـ/۱۶۵۸-۱۶۲۷ م) آن سلطنت را توسعه داد. بعد از تأسیس سلطنت مغول در هند، شاعران و نویسندگان و تاریخ‌نگاران از ایران به دربارهای پادشاهان مغول هجرت کردند. بابر خود شخصی دانشمند بود. او شخصیت‌های معتبر را از جاهای دیگر هند به پایتخت دعوت کرد. از این جهت دانشمندان و هنرمندان برای نشان دادن علم و هنر و دانشمندی خودشان را به دربارهای پادشاهان هند نزدیک کردند.

در تاریخ ادبی هند و ایران به دوره شاهجهان در میدان فن معماری دوره زرین گفته می‌شود. با این همه برای ترویج زبان و ادب فارسی در هند این دوره مهم‌ترین دوره بوده است. داراشکوه (۱۰۶۹-۱۰۲۴ هـ/۱۶۵۹-۱۶۱۵ م) پسر شاهجهان هم به مذاهب دیگر اهمیت می‌داد. خصوصاً او مذهب هندوان را دوست داشت و به همین سبب او بسیار کتاب‌های سانسکریت را به زبان هندی ترجمه کرد.

شاهجهان در دربار خود فرماندارانی را انتخاب کرده بود که مثل ظفر خان احسن، مهابت خان و افضل خان بسیار حامی زبان و ادبیات فارسی بودند. از میان ایشان خود افضل خان و ظفر خان احسن شاعری بزرگ بودند و ظفر خان در کشمیر مجالس

* استادیار فارسی کالج ذاکر حسین (دانشگاه دهلی)، دهلی‌نو.

مشاعره را دایر کرد. شاعران کشمیر مثل ملّا محمد طاهر غنی و محمد اسلم سالم و ملّا محمد محسن فانی نیز در این عصر بسیار معروف بودند.

ملّا^۱ شیخ^۲ میرزا^۳ محمد محسن فانی ولد شیخ محمد حسن کشمیری بن شیخ محمد در سال ۱۰۲۳ هـ برابر با ۱۶۱۴ م^۴ در کشمیر تولّد یافت. تحصیلات مقدماتی خود را در وطن خود کشمیر به پایان رساند. قرآن حفظ کرد و گفته است:

شاهجهان و داراشکوه
و ظفر خان احسن
سرپرستانِ فانی
کشمیری بوده‌اند.

چو طفل جان من در مکتب تن سواد دیده دل کرد روشن
زبان من به قرآن آشنا شد کلید گنج اسرار خدا شد
چو جلد از بس که کردم حفظ قرآن به زیر پوست دارم دوست پنهان
فانی دستور زبان و منطق را هم خواند و با این همه علم ریاضی، حدیث، فقه و تفسیر را یاد گرفت.

ریاضت‌ها کشیدم در ریاضی که شد از من ارسطو نیز راضی
لب من تا حدیثی را عمل کرد زبانم مشکلات فقه حل کرد
به هر راهی که می‌رقصم قبول است که در دستم چو دف علم اصول است
به دل حسن ازل تصویر کردم کلام الله را تفسیر کردم

بعضی از نویسندگان رای دادند که شیخ یعقوب صرفی استاد فانی^۵ بوده است، ولی دکتر ظهورالدین احمد این بیان را رد کرده و می‌گوید که شیخ صرفی در ۱۰۰۴ هـ/ ۱۵۹۵ م درگذشت^۶ و مطابق نظر پروفیسور عابدی فانی در سال ۱۰۲۳ هجری

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، به اهتمام پروفیسور سید امیر حسن عابدی، ص ۲.
۲. همان، ص ۲، مجله شیرازه، شماره ۲۰، سیری ۱۰، ص ۵.
۳. غنی فرخ آبادی، محمد عبدالغنی: تذکرة الشعراء، ص ۹۸.
۴. صفای سمنانی، دکتر ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، ص ۱۲۸۵.
۵. سروری، پروفیسور عبدالقادر: کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، سرینگر، ۱۹۶۸ م، ص ۱۳۴.
۶. ظهورالدین، دکتر احمد: پاکستان میں فارسی ادب کی تاریخ، لاهور، ۱۹۷۴ م، ص ۳۳۷.

توگد یافت^۱، با این دلیل شیخ صرفی استاد فانی نمی‌توانست باشد. فانی شاگرد ملّا واصب^۲ و ملّا محمود گافی^۳ بود. فانی تحصیلات مقدماتی را از استاد نظام‌الدین محمد شیخ میرک گرفت. در مثنوی ناز و نیاز فانی گفته است:

که بود استاد من خوش طبع زیرک نظام‌الدین محمد شیخ میرک
درین عصر اهل دین را رهنما اوست چراغ دودمان مصطفی^ص اوست

تذکره‌نویسان و بعضی دانشمندان بزرگی او را می‌پذیرند. نویسنده تذکره عمل صالح دانشمندی او را اعتراف کرده و می‌گوید:

«شیخ محسن کشمیری جلوه شیخ حسن کلام است و مانند بهار در کشمیر صاحب مقام شاهدان معنی را با حسن وجوه بر صفحه بیان جلوه می‌دهد و سرانگشت قلمش عقده از سررشته معنی به‌نیکوترین وصفی می‌کشاید»^۴.

فانی کشمیری یک بخش زندگی خود را برای خدمت ادب علوم دیگر صرف کرد، او می‌خواست که این علوم را بر سرزمین کشمیر بگسترده. سلطان قطب‌الدین (۱۳۸۹-۱۳۳۷ م) در زمانه خود در سرینگر کشمیر برای تدریس قرآن و حدیث دبستانی به نام «مدرسه قطب» بنا کرد که بعد از چند وقت از غفلت حکومت بسته شده بود. محسن فانی آن دبستان را دوباره باز کرد و آنجا دانشجویان خود را درس و تدریس می‌داد. شاگردان خوب‌ترین فانی، غنی کشمیری و محمد زمان نافع^۵ (برادر غنی کشمیری) خواجه قاسم ترمذی و ملّا محمد کاسه و حاجی محمد اسلم سالم بودند.

در تذکره مرآت‌الخیال آمده است که:

«شک نیست که غنی کشمیری شاگرد محسن فانی کشمیری بود ولی در ادراک و دانایی و دانشوری او از استاد فانی بزرگ‌تر بود. غنی کشمیری شاگرد

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، ص ۲.

۲. همان؛ خیامپور تبریزی، دکتر عبدالرسول تاهباززاده: فرهنگ سخنوران، انتشارات طلایه، تهران، ج ۲ زمستان ۱۳۷۲ ه.ش، ص ۹۶۸.

۳. ظهورالدین، دکتر احمد: پاکستان میں فارسی ادب کی تاریخ، لاهور، ۱۹۷۴ م، ص ۳۳۷.

۴. صباح‌الدین عبدالرحمن، سید: بزم تیموریه، مطبع معارف، اعظم‌گره، ۱۹۸۴ م، ج ۲، ص ۲۲۰.

۵. خیامپور تبریزی، دکتر عبدالرسول تاهباززاده: فرهنگ سخنوران، ج ۲ زمستان ۱۳۷۲ ه.ش، ص ۹۱۶.

با استعداد محسن فانی بود و به‌مدد طبع ادراک در فنون علوم بر استاد
چیره‌دستی نمود^۱.

همچنین میر غلام علی آزاد بلگرامی مؤلفِ مآثرالکرام دربارهٔ استعداد غنی کشمیری
چنین اظهار عقیده می‌کند:

”از بدو شعور در حلقهٔ درس ملّا محسن فانی کشمیر تلمذ نمود چون طبع بلند
داشت در روزگار مشیت شایسته به‌هم رسانید“^۲.

صاحبِ واقعات کشمیر عقیده دارد که او در شاعری یگانه است:

”هرچند شاگرد ملّا محسن فانی بود اما اتفاق ارباب سخن است که از خطهٔ
کشمیر بلکه تمام اقلیم هند در آن عهد همچو او خوش‌خیال نازک‌بندی
برنخاسته“^۳.

فانی پیروی علوم انسانی و نועدوستی بود و برای صلح و آشتی دیگران را درس
می‌داد. او در سلامتی و آشتی و مهر و علاقه و برابری و هم رفتار نیکو با دشمنان
اعتقاد داشت. مثل ملک هند که آنجا نوع زبان‌های گوناگون و مردم مذهب‌های متفاوت
دارد، تدریس کردن فانی خیلی هم مشرب است.

به‌دوست هرچه کنی از تو رو نمی‌تابد به‌دشمن از برسی در پی مدارا باش
مشو چو گرد کدورت غبار خاطرها چو شمع داغ محبت چراغ دل‌ها باش
بدی و خوبی عالم ببین و عیب مکن چو چشم صورت دیوار در تماشا باش^۴

خلاصه این که او مردی بشردوست و انسان بود و مذهبی خاص باور نمی‌کرد.
فانی در شهرهای گوناگون کشور هند و هم به‌خارج از کشور سفر کرد. اصلاً او اهل
کشمیر بود. به‌سرزمین کشمیر که میهن اوست میل و آشتی و علاقه دارد و در شعرهای
خود می‌نویسد:

۱. لودی هروی، امیر شیر علی خان بن علی امجد خان لودی: مرآت‌الخیال (تألیف: ۱۱۰۲ هـ)، ص ۱۶۱.

۲. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ هـ): مآثرالکرام، ص ۹۵-۹۶.

۳. اعظم کشمیری، خواجه محمد اعظم دیده‌مری (ددمری) (م: ۱۱۸۵ هـ) بن خیرالزمان کشمیری: واقعات کشمیر،
لاهور. ص ۱۱۰.

۴. ظهورالدین، دکتر احمد: پاکستان میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۳۴۴.

در بهار گلشن کشمیر فانی هر طرف جز شراب ناب شمع مجلس احباب نیست^۱ او آب و هوای کشمیر را تحسین می‌کرد و آب و هوای جای دیگر را پسند نمی‌کرد. در کتابت‌های کشمیر از زبان آه سرد شکوه‌ها از کوی هندوستان می‌باید نوشت فانی از بخت سیاهت شده در هند وطن ورنه جای تو به جز گوشه کشمیر نبود هوای برشگال هند خوش آمد مرا لیکن نسیم نوبهار کابل و کشمیر می‌باید^۲ بعد از تکمیل کردن تدریس خود او به بلخ سفر کرد. آنجا دربارِ نظر محمد خان، حاکم بلخ را خدمات انجام داد. نظر محمد خان دانش علوم متفاوتِ فانی را احترام می‌کرد. فانی در ستایش او را چند قصاید نوشته است.

فانی به بخارا هم رفت. "فانی بعد از پیروزی فوج شاهجهان به بخارا رفته بود"^۳. بعضی نویسندگان رای دارند که "بعد از اخراج خود او به خراسان رفته بود"^۴. وقتی که او برای گذاردن زندگی بازنشستگی به کشمیر کشیده می‌شد از یاد آوردن دهلی چند بیت نوشته بود:

فانی آخر منزوی در گوشه کشمیر شد

گرچه جایی خوشتر از شاهجهان آباد نیست^۵

شاهجهان فانی را برای یک زمانی به مسئولیت استاندار اله‌آباد منصوب کرده بود. اینجا با شیخ محب الله که صوفی بزرگ آن وقت بود تماس یافت. فانی در راهنمایی او درس معنویت حاصل کرد. با یاد کردن صوفی بزرگ اله‌آباد می‌گوید:

چو هر شهری ز هندیام آمد به‌یاد من اله‌آباد آمد

درو شیخی محب الله نام است که مشهور جهان از فیض عام است^۶

ظاهر می‌شود که فانی سفر کابل هم کرده و مقامات مختلف را سیر کرده. با یاد کردن کابل می‌گوید:

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، ص ۲.

۲. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، ص ۲.

۳. سلیم بهوپالی، سید علی حسن خان: صبح گلشن، مطبع شاهجهانی، بهوپال، ۱۲۹۵/هـ ۱۸۷۸/م، ص ۳۱۸.

۴. مجله شیرازه، شماره ۲۰، سیری ۱۰، ص ۶-۷.

۵. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، ص ۲.

۶. همان، ص ۵۵.

کی به کابل یاد فردوس و ارم فانی کند از برای او جهان آرا و شهر آرا بس است^۱
شاهجهان و داراشکوه و ظفر خان احسن سرپرستان فانی کشمیری بوده‌اند. فانی در

در تذکره مرآت‌الخیال آمده است که: "شک نیست که غنی کشمیری شاگرد محسن فانی کشمیری بود ولی در ادراک و دانایی و دانشوری او از استاد فانی بزرگ‌تر بود."

قصائد و نظم خود را توصیف می‌کند. او فقط پنج قصیده گفته است. یکی از آنها را در توصیف شاهجهان نوشته است. در این قصیده فانی مهربانی و بخشش و سخاوت بادشاه را شرح داد. در همین قصیده توصیف هنر می‌کند و خود را میهن‌پرست نشان داد. بعد از دریافت کردن سیم و زر و انعام و اکرام می‌گوید:

سیم و زر را دام می‌گیرد ز چنبیلی و بیل نرگس از بهر نثار ثانی صاحبقران^۲
فانی در بخشش و سخاوت حاتم و عدل و انصاف نوشیروان با شاهجهان مقایسه می‌کند:
جذبه از کافر گرفتن پیش او چون فرض بود

همّت از حاتم گرفت و عدل از نوشیروان^۳

فانی «مثنوی مصدرالآثار» را به نام شاهجهان بادشاه وقف کرده است. در دیباچه مثنوی توصیف شاهجهان می‌کند:

"شهنشاهی که فتح معموره ریع مسکون از آبایی گیتی ستایش به میراث رسیده و به تصرف دست قدرت در اطراف و اکناف آن طرح‌های گوناگون کشیده از آن جمله نقش بدیعی که از تخته خاک مرتبه خود را به پایه نقوش افلاک تواند رساند و ان شاء الله تعالی نام و نشانش تا قیام قیامت بر صفحه روزگار خواهد ماند"^۴.
فانی ندیم دربار داراشکوه بوده است^۵ و رشد و هدایت روحانی‌اش را توصیف می‌کند. به مطابق ایتھی:

۱. ظهورالدین، دکتر احمد: پاکستان میں فاری ادب کی تاریخ، ص ۳۴۲.

۲. صباح‌الدین عبدالرحمن، سید: بزم تیموریه، ج ۲، ص ۲۲۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۲۴.

۴. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، ص ۲۲۰.

۵. سرخوش کشمیری، میر محمد افضل (زنده: ۱۱۲۶ هـ): کلمات‌الشعرا (تألیف: ۱۱۰۸-۱۰۹۳ هـ)، ص ۸۳۰.

”فانی با داراشکوه وابستگیِ دوستانه داشت“^۱.
 فانی خود را با داراشکوه وابسته کرد سپس دربارِ دیگر رخ نکرد.
 فانی که سجده در داراشکوه کرد دیگر سرش فرود به هر در نمی‌شود^۲
 یکی از غزل‌های فانی راجع به داراشکوه احساسِ خود را بیان می‌کند:
 مایه دیوانگی در دهر هم تأثیر کرد
 کو به جرم عاقلی در پای من زنجیر کرد
 بر دم تیغ قلم هم تهمت خون می‌کند
 حرف رنگین بعد ازین کی می‌توان تحریر کرد
 داغ شو یوسف که ما را از غم داراشکوه
 عشق بر عکس زلیخا در جوانی پیر کرد
 قاضی ار دیباچه‌ای بر نسخه فانی نوشت^۳
 فتوی خونین رقم زد زهر را در شیر کرد^۴

ظفر خان احسن حاکم کشمیر و شاعر معروف دربار شاهجهان و معاصر و سرپرستانِ محسن فانی بوده است. او با فانی وابستگی بسیار خوب داشت زیرا که ظفر خان او را پشتیبان سخی بود. وقتی که ظفر خان حاکم کشمیر مقرر شد، فانی برای خوشامدِ وی قصیده‌ای نوشت:

بهار گلشن کشمیر باز رنگین شد که ابر فیض ظفر خان کامگار آمد^۵
 در شاعری خود فانی در توصیف حضرت شیخ محب الله آبادی و ملا شاه بدخشی می‌گوید:

پیریم و مرید حضرت الله‌ایم یعنی که محب خاص ملا شاهیم^۵
 محبوب و محب و حب ما گشت بلی در سلسله شاه محب الله‌ایم^۶

1. Ethe, Herman: *Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the India Office*, London, Vol. I, No. 1599, p.877.

۲. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: *مثنویات فانی کشمیری*، ص ۲۰.

۳. صباح‌الدین عبدالرحمن، سید: *بزم تیموریه*، ج ۲، ص ۲۲۱.

۴. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: *مثنویات فانی کشمیری*، ص ۲.

۵. صباح‌الدین عبدالرحمن، سید: *بزم تیموریه*، ج ۲، ص ۲۲۱.

۶. همان.

فانی در ابیات خود صوفی بزرگ شیخ محب الله را توصیف کرده است و در سرپرستی آن دریافت کردن هدایت صوفیانه و در بزرگی شان می گوید:

چو هر شهری ز هندم یاد آمد به یاد من اله آباد آمد
 درو شیخ محب الله نام است که مشهور جهان از فیض عام است
 به خاک آستانش جبهه سودم که سازد پاک از گرد وجودم
 ز روح او مدد جستم درین کار که از احوال من باشد خیردار
 چو رخصت یافتم از روح پاکش بگردانید سوقم گرد خاکش
 که آداب مُردان غیر ازین نیست چه شد گر پیر بر روی زمین نیست^۱

بسیاری از تذکره‌نویسان و دانشوران و تاریخ‌دانان درباره دانایی و شاعری و شخصیت فانی رای یکسان دارند. فانی در سال ۱۰۸۲ هـ/ ۱۶۷۱ م در کشمیر درگذشت. پیش از مردن خود یک ماده تاریخ تصنیف کرد:

رفته فانی به عالم باقی^۲

فانی کشمیری نزدیک خانقاه داراشکوه بیرون خانه‌اش در قطب‌الدین پوره به خاک سپرده شد. فانی کلیاتی مشتمل بر قصیده‌ها و غزل‌ها و رباعی‌ها و چهار مثنوی از خود به یادگار گذاشت. قصیده‌ای که در توصیف شاهجهان گفته است واژه‌های هندی دارد. پروفیسور سید امیر حسن عابدی (دانشگاه دهلی) مثنویات او را به‌عنوان «مثنویات فانی کشمیری» تصحیح و چاپ کرد و راقم الحروف آن مثنویات را به‌عنوان «بررسی انتقادی مثنویات فانی کشمیری» چاپ کرده است.

اسم چهار مثنوی این طور است:

۱. مثنوی ناز و نیاز.
۲. مثنوی میخانه.
۳. مثنوی مصدرالآثار.
۴. مثنوی هفت اختر.

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، ص ۵۵.

۲. مجله شیرازه، شماره ۲۰، سیری ۱۰، ص ۹.

«مثنوی میخانه» که فانی خود در زمان پیری نوشته بود، در توصیف کشمیر است.

فانی کشمیری نزدیک
خانقاه داراشکوه بیرون
خانه‌اش در قطب‌الدین پوره
به خاک سپرده شد.

در این مثنوی باغات کشمیر و رودخانه و جوی و آبشار و جاهای خوشگوار را ذکر کرده است و تعریف و توصیف کشمیر کرده است.

از این شعر آغاز مثنوی میخانه می‌کند:

به نام خدا ابتدا می‌کنم که میخانه نو بنا می‌کنم

کشمیر که بهشت جهان است، موضوع شعرای

مختلف بوده است. خصوصاً در زمان شاهجهان شعرای فارسی از فصل‌های کشمیر و باغ‌ها و درخت‌ها و گل‌ها و میوه‌ها و رودها و آبشارها و کانال‌ها شاعری را ترکیب آرایش می‌دادند. فانی زاده و پرورده کشمیر بود. از این جهت علاقه و دلبستگی فانی به سرزمین کشمیر نسبت به شعرای دیگر بیشتر بوده است. زیبایی و قشنگی گل‌های لاله و نسترن که در شعرهای خود صفات آن را ذکر کرده است و می‌گوید که رنگ لاله سرخ است و نسترن مثل پنبه سفید است:

دهم لاله را پنبه از نسترن که داغ دلش گشته جزو بدن

در توصیف فصل بهار فانی می‌گوید که مثل کشمیر هیچ‌جایی وجود ندارد که فصل بهار این‌طور محبوب و خوشدل باشد، چون مردم این سرزمین صلح دوست و پاکدل هستند قلب ایشان از ریا و تزویر خالی است علاوه از این کشمیر مثل باغ ارم است:

درین فصل جایی چو کشمیر نیست که آنجا کس از اهل تزویر نیست

نخواهد کس اینجا زد از مکر دم که جای ریا نیست باغ ارم^۱

فانی کشمیر را باغ جنت خوانده می‌گوید مردمانی که مثل شیخ جام اینجا شراب می‌خورند مرتکب گناه نمی‌شوند، چون شراب در جنت ممنوع و حرام نیست: همه باده نوشند چون شیخ جام که می‌نیست در باغ جنت حرام^۲

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، ص ۱۵۰.

۲. همان، ص ۱۵۰.

فانی از گل‌هایی که اطراف استخر دل در فصل بهار کشمیر می‌رویند تصویرکشی می‌کند و می‌گوید که گل‌های کنول آب دل را رنگین ساخته و به‌نظر می‌رسد که نهر دل به‌آتشکده مبدل گردیده است:

گرو برده از سلسبیل آب دل که رنگین شده از بهار کول
چنان هر گلش سرکش افتاده است که گویی در آب آتش افتاده است
گلش آتش انداخت در آب دل شد آتشکده روی تالاب دل^۱

فانی گردش باغ نسیم را یاد می‌کند که اگر کسی در این باغ برای گردش می‌آید او باغ نعیم را فراموش می‌کند:

اگر کس کند سیر باغ نسیم نیارد دگر یاد باغ نعیم^۲

فانی می‌گوید که اگر من توصیف قشنگی باغ نشاط را شروع کنم من هم از خوشحالی و مسرت نمی‌توانم خود را کنترل کنم. در باغ نشاط گل‌های لاله این قدر زیاد هستند که باغ‌های خلد و فردوس رشک و حسادت دارند.

اگر سر کنم وصف باغ نشاط نگنجد دلم در تن از انبساط
ز جوش گل و لاله این دو باغ شده گلشن خلد و فردوس داغ^۳

سپس درباره قشنگی و دلکشی باغ شالمار می‌گوید که مردم را به‌سوی خود می‌کشاند و علتش این است که باغ شالمار عروس باغ‌های کشمیر است:

عروس همه باغ‌ها شالمار که او را گرفته است دل در کنار^۴

شاعر هم می‌گوید هنگامی که از عیش‌آباد می‌گذرم خوشحالی من دو برابر می‌گردد:

چو در عیش‌آباد کردم عبور دو بالا طرب شد دو چندان سرور^۵

باغ شاه از باغ‌های دیگر کشمیر بالاتر است. فانی برتری باغ شاه را نسبت به باغ‌های دیگر کشمیر ابراز می‌کند و می‌گوید که این فرق مثل فرقی مابین یک خانه و خانقاه است:

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، ص ۱۵۱.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۵۲.

۵. همان.

ازین باغ‌ها به‌بود باغ شاه که فرق است از خانه تا خانقاه^۱
 در این باغ چشمه‌ای به‌نام چشمه عرفان جاری و ساری است و فواره‌ها که در
 گوشه و کنار آن کار می‌کنند چنین به‌نظر می‌رسد که دست‌های خود را برای دعا بلند
 کرده‌اند:

درو چشمه‌ای هست دایم روان که نامش بود چشمه عارفان
 درین باغ هر گوشه فواره‌ها به‌گردون برآورده دست دعا^۲
 فانی تازگی و شغافی آب این باغ را بیان می‌کند و می‌گوید که حوض اینجا مثل
 حوض کوثر به‌روحانیون نشاط می‌بخشد. این جای برای داراشکوه مناسب است. آبش
 تمیز و شغاف است و عارفان از این آب وضو می‌گیرند:

بود حوض او حوضه فیل کوه سزد گر بود جای داراشکوه
 مگر حوض او حوض کوثر بود کز آبش لب عارفان تر شود
 شبی کن گذر از لب حوض او که باید به‌این آب کردن وضو^۳
 آبشار از کانال آب می‌گیرد و بهتر از خواجه جویبار به‌نظر می‌رسد. خانه‌های که
 اطراف کانال ساخته‌اند مثل درخت‌های چنار معلوم می‌شوند.

ز جویبار چنان برده فیض آبشار که شد بهتر از خواجه جویبار
 به‌شب‌های مهتاب از دست حور توان خوردن اینجا شراب طهور
 به‌اطراف این نهر اهل دیار برافراشته خانه‌ها چون چنار^۴
 فانی بعد از آن باغ نسیم و باغ فتح را هم یاد می‌کند.
 فانی خیال دارد که اگر کسی زیبایی و قشنگی باغ‌های کشمیر را توصیف نکند، مثل
 این است که گلستان سعدی را نخوانده است:

درین فصل یک کس ز اهل سخن نخوانده کتاب گلستان چو من^۵
 به‌صحن باغ فانی از بوی مستی آور بهار سرشار می‌شود و می‌گوید:

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، ص ۱۵۲.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۵۳.

۵. همان.

به صحن چمن می پرستی کنم که وصف درختان به مستی کنم^۱
 درختان باغ‌های کشمیر نیز از میوه‌ها چون سیب و آلو و شفتالو و پسته و انگور و
 بادام می‌باشد. خصوصاً درباره بادام می‌گوید که فقط بادام بادشاه همه میوه‌هاست.
 خلاصه این است که فانی در ابیات خود از جاهای کشمیر بسیار توصیف می‌کند و
 بر میهن خود بسیار فخر می‌کند.

منابع

۱. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ هـ): مآثر الکرام، کتابخانه آصفیه، حیدرآباد، ۱۹۱۳ م.
۲. اعظم کشمیری، خواجه محمد اعظم دیده‌مری (دذمری) (م: ۱۱۸۵ هـ) بن خیرالزمان کشمیری: واقعات کشمیر، لاهور.
۳. خیامپور تبریزی، دکتر عبدالرسول تهاباززاده: فرهنگ سخنوران، انتشارات طلایه، تهران، ج ۱ زمستان ۱۳۶۸ و ج ۲ زمستان ۱۳۷۲ هـ ش.
۴. سرخوش کشمیری، میر محمد افضل (زنده: ۱۱۲۶ هـ): کلمات الشعرا (تألیف: ۱۱۰۸-۱۰۹۳ هـ)، تصحیح صادق علی دلاوری، به‌اهتمام ملک محمد عارف خان، لاهور (پاکستان)، سپتامبر ۱۹۴۲ م.
۵. سروری، پروفیسور عبدالقادر: کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، سرینگر، ۱۹۶۸ م.
۶. سلیم بهوپالی، سید علی حسن خان: صبح گلشن، مطبع شاهجهانی، بهوپال، ۱۲۹۵ هـ/ ۱۸۷۸ م.
۷. صباح‌الدین عبدالرحمن، سید: بزم تیموریه، ج ۲، مطبع معارف، اعظم‌گره، ۱۹۸۴ م.
۸. صفای سمنانی، دکتر ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ پنجم ۱۳۶۸ هـ ش.
۹. ظهورالدین، دکتر احمد: پاکستان میں فارسی ادب کی تاریخ، لاهور، ۱۹۷۴ م.
۱۰. غنی فرخ‌آبادی، محمد عبدالغنی (م: ۱۳۳۵ هـ): تذکرۃ الشعرا (تألیف: ۱۹۱۰ م)، مرتبه محمد مقتدی خان شروانی، مطبع علیگره، ۱۹۱۶ م.
۱۱. فانی کشمیری، ملا شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، به‌اهتمام پروفیسور سید امیر حسن عابدی، سرینگر، ۱۹۶۴ م.

۱. فانی کشمیری، شیخ محمد محسن: مثنویات فانی کشمیری، ص ۱۵۳.

١٢. لودی هروی، امیر شیر علی خان بن علی امجد خان لودی: *مرآت الخیال* (تألیف: ١١٠٢ هـ)، مطبع مظفری، بمبئی، ١٣٢٤ هجری.
١٣. مجله شیراز، شماره ٢٠، سیری ١٠، دانشگاه کشمیر، سرینگر، ١٩٨١ م.
14. Ethe, Herman: *Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the India Office*, London, Vol. I, No. 1599.
15. Saleem Javed, Malik: *The Mathnawis of Fani Kashmiri: A Critical Survey*, Indo-Persian Society, New Delhi, 2008.